Mahdavi Society
EISSN: 2717-3119
ISSN: 2717-3100
The Quarterly journal of mahdavi society
Vol. 5 ● No. 2 ● Autumn & Winter 2025 ● Issue 10

The Contradictory Epistemological Challenge and the Origin of the Formation of Mahdavi Beliefs Among Followers of Claimants of Mahdaviat[1]

Mehrnaz Bashizadeh Moghaddam[1] **Ahmad Karimi**[2]

1. Assistant Professor and Faculty Member of the Department of Quranic Sciences and Knowledge, Quran and Hadith University, Qom, Iran (Corresponding author).
bmoghaddam14@gmail.com

2. Associate Professor and Faculty Member of the Department of Religious Philosophy and Contemporary Theological Issues, Quran and Hadith University, Qom, Iran.
ahmad.karimi@gmail.com

Abstract

The signs and indicators of the reappearance of the Imam of the Future (Imam Mahdi), as well as the characteristics of the promised Imam mentioned in Islamic narrations, are primarily considered a way through which different individuals can assess the claims of the self-proclaimed Mahdi. However, claimants, to varying degrees, have attempted to convince their followers of their claims by relying on these very signs and aligning them with their own identities. Considering the fact that the followers of these claimants face significant and recurrent epistemological contradictions, the credibility of the beliefs of these groups is seriously questioned. On the other hand, the insistence on the beliefs of these followers in such conditions indicates that the origin of these beliefs is not supported by sufficient reasons and evidence, as despite the weakening of the arguments and the loss of the foundational evidence, no change in

1. Bashizadeh Moqaddam, M., & Karimi, A. (2025). The Epistemological Contradictory Challenge and the Origin of the Formation of Mahdavi Beliefs Among Followers of Claimants of Mahdaviat. *Mahdavi Society, 5*(10), 117-150. https://Doi.org/10.22081/JM.2025.70326.1102

* **Publisher**: Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article**: Research Article

▣ **Received**: 2024/09/01 ●**Revised**: 2025/03/08 ●**Accepted**: 2025/03/11 ● **Published online**: 2025/05/07

their epistemological stance occurs. This research, using a descriptive-analytical method and a library-based study, seeks to find the origins of the formation of beliefs among the followers of the claimants of Mahdaviat. The results show that the epistemological vices and the lack of cognitive virtues, such as reasoning, correct argumentation, deep thinking, epistemological humility, and openness to new evidence, have led these believers to accept the claims of the Mahdavi experiencers. Consequently, from an epistemological perspective, followers of the claimants of Mahdaviat, by insisting on their beliefs despite epistemological contradictions, must be confident in possessing adequate epistemological virtues. In the absence of one or more of these epistemological virtues, or in the presence of epistemological vices, their belief becomes unjustifiable and irrational.

Keywords
Epistemological contradiction, Mahdavi experiences, Claimants of Mahdaviat, Epistemological vices, Followers of Mahdavi claimants.

جامعه مهدوی
EISSN: ۲۷۱۷-۳۱۱۹
ISSN: ۲۷۱۷-۳۱۰۰
دوفصلنامه علمی ـ ترویجی
سال پنجم ● شماره دوم ● پائیز و زمستان ۱۴۰۳ ● شماره پیاپی ۱۰

چالش ناقض معرفتی و خاستگاه شکل‌گیری باورهای مهدوی در میان پیروان مدعیان مهدویت*

مهرناز باشی‌زاده مقدم [۱] احمد کریمی [۲]

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم و معارف قرآن دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول).
bmoghaddam14@gmail.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی فلسفه دین و مسائل جدید کلامی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
ahmad.karimi@gmail.com

چکیده

نشانه‌ها و علائم ظهور و نیز ویژگی‌های امام موعود که در روایات اسلامی آمده، به‌طور عمده راهی تلقی شده که به موجب آن، افراد مختلف بتوانند ادعای مدعیان را محک زنند. با این حال، مدعیان کم و بیش با اتکا به همین نشانه‌ها و تطبیق‌شان بر خود تلاش کرده‌اند تا ادعاهای خویش را برای پیروانشان باورپذیر کنند. عطف نظر به این مسئله که پیروان متمهدیان، با ناقض‌های معرفتی قابل توجه و پرتواتری روبه‌رو هستند، حجیت باورهای این گروه مورد خدشه جدی است. اما از سویی اصرار بر باورهای این پیروان در چنین شرایطی نشان می‌دهد که منشاء باور این پیروان، همراه با دلایل و قراین کافی نیست؛ زیرا با وجود تضعیف ادله و از دست رفتن پایگاه شواهد، تغییری در موضع معرفتی حاصل نمی‌شود. این پژوهش به روش توصیفی ـ تحلیلی و با مطالعهٔ کتابخانه‌ای، درپی یافتن خاستگاه شکل‌گیری باورهای پیروان مدعیان مهدویت است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد رذیلت‌های معرفتی و فقدان فضایل شناختی همچون خردورزی و استدلال صحیح، ژرف‌اندیشی، تواضع معرفتی، گشودگی نسبت به قراین جدید برای باورمندان به این‌گونه باورهای غیرپایه و متکی بر گواهی، موجب گردیده تا آنان مدعیات

* **استناد به این مقاله:** باشی‌زاده‌مقدم، مهرناز؛ کریمی، احمد. (۱۴۰۳). چالش ناقض معرفتی و خاستگاه شکل‌گیری باورهای مهدوی در میان پیروان مدعیان مهدویت. جامعه مهدوی، ۵ (۱۰)، صص ۱۱۷-۱۵۰.
https://Doi.org/10.22081/JM.2025.70326.1102

▣ **نوع مقاله:** علمی ـ ترویجی؛ **ناشر:** دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

▣ **تاریخ دریافت:** ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۱۲/۲۱ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

تجربه‌گران مهدوی را بپذیرند. درنتیجه از نقطه‌نظر معرفت‌شناختی، پیروان مدعیان مهدویت در صورت اصرار بر باورهای خود با وجود ناقض معرفتی، باید بتوانند از داشتن فضایل معرفتی کافی مطمئن شوند و در صورت غیاب یک یا چندین فضیلت معرفتی، و یا برخورداری از رذایل معرفتی، باور آنان غیرموجه و نامعقول است.

کلیدواژه‌ها

ناقض معرفتی، تجربه‌های مهدوی، مدعیان مهدویت، رذیلت‌های معرفتی، پیروان متمهدیان.

مقدمه

دیدار شخصیت‌های دینی یا مذهبی که سال‌ها از شهادت یا وفات آنها گذشته، یا شخصیت‌هایی که مطابق نصوص دینی به آسمان عروج کرده و یا در پس پردهٔ غیبت هستند، از جمله تجارب دینی است که از نظر معرفت‌شناسی و در گامی فراتر، هستی‌شناسی، نیازمند راستی‌آزمایی مدعیان و مدعیات آنها براساس معیارهای اخلاقی، معرفتی و سازواری با نصوص دینی است. در نگرهٔ شیعهٔ امامیه، امام دوازدهم، امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف حجت غایب خدا در زمین است. او زنده است و همچون دیگر انسان‌ها دارای شئونات حیات دنیوی است و روزی به امر الهی از پس پردهٔ غیبت ظهور خواهد کرد. وعدهٔ ظهور منجی آخرالزمانی شیعیان و رویدادهایی که پیش و پس از ظهور او رخ خواهد داد و نیز صفات ظاهری امام غایب که در برخی روایات آمده است، برخی را بر آن داشته تا با اغراض مختلف ادعایی دروغین داشته و خود را بعنوان مهدی منتظر معرفی نمایند. بررسی دعاوی برخی مدعیان دروغین مهدویت نشانگر آن است که گروهی از مدعیان کاذب، به‌طور کامل آگاهانه و در پی مطامع شخصی، فرقه‌ای و یا سیاسی به این امر مبادرت ورزیده‌اند. از سوی دیگر برخی پیروان این متمهدیان، ادعای آنها را مطابق با نشانه‌های بیان شده در نصوص دینی یافته و آن را تصدیق کرده‌اند. با وجود این، به نظر می‌رسد باور پیروان مدعیان مهدویت از نظر معرفتی توجیه‌پذیر نبوده و بن‌مایهٔ باور ایشان از استلزامات فضایل معرفت‌شناختی تهی است.

تاکنون در مورد دعاوی کذب مهدویت، مدعیان دروغین و پیروان آنها پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله مقالهٔ «بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان» (عرفان، ۱۳۸۸). نگارنده در این مقاله در سه دسته‌بندی علل زمینه‌ساز، تسهیل‌کننده وشتاب‌زا، ظهور مدعیان کاذب مهدویت را مورد بررسی قرار داده است. در مقالهٔ دیگری با عنوان «گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت» (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳) نویسندگان در ۶ دسته به گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت پرداخته‌اند که شامل: ۱. تنوعات مدعیان دروغین مهدویت براساس

نوع ادعاء؛ ۲. انواع مدعیان دروغین براساس ماهیت ادعای طرح شده؛ ۳. گوناگونی مدعیان دروغین براساس مذهب مدعی؛ ۴. انواع مدعیان دروغین از نظر سرانجام ادعا؛ ۵. تنوعات مدعیان دروغین از نظر دامنه جغرافیایی یا جمعیتی ادعای آنان؛ ۶. گوناگونی مدعیان دروغین از نظر شخص ادعاکننده است. در مقالهٔ «سبک‌شناسی مواجهه امامان معصوم علیهم‌السلام با مدعیان دروغین مهدویت» (عرفان، ۱۳۹۴)، نویسنده از دو سنخ مواجههٔ معصومان با مدعیان کاذب و مدیریت بحران سخن گفته است که شامل مدیریت دفعی در مرحلهٔ پیشینی و مدیریت رفعی در مرحلهٔ پسینی. در مقالهٔ مذکور موارد اشاره شده ذیل این دو سنخ مدیریت بحران بیشتر ناظر به تغییرات اجتماعی و آگاهی بخشی است؛ همچنین در مقالهٔ «شاخصه‌شناسی مواجهه ائمه با مدعیان دروغین مهدویت» (عرفان، ۱۳۹۴)، ۵ شاخصه بعنوان رویکردهای مقابلهٔ معصومین علیهم‌السلام با مدعیان دروغین بیان شده است که شامل مواردی چون، غلبهٔ پیشگیری به جای درمان، رویکرد فرصت‌سازی به تهدید مدعیان دروغین، تمیز میان شبهه‌گر و شبهه‌زده، قاطعیت در تصمیم‌گیری و سامان‌دهی رفتار اجتماعی شیعیان در قبال ادعاهای دروغین است. در مقالهٔ «آسیب‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت از منظر امامان معصوم» (جدایی حاجی‌خواجه‌لو، ۱۳۹۸)، نویسنده بیشتر به شیوه‌های مواجههٔ امامان معصوم علیهم‌السلام با مدعیان کاذب پرداخته و باورهای پیروان این مدعیان مورد توجه قرار نگرفته است؛ همچنین در مقالهٔ «چرایی گرایش مردم به مدعیان دروغین مهدویت و راهکارهای رویارویی با آن» (عبدالاحدی مقدم، میرتبار، ۱۳۹۹) نویسندگان مقاله با روش تحلیل مضمون، گفتار ۱۱ تن از اساتید مهدویت را در رابطه با گونه‌شناسی، تنوع مدعیان کذب مهدویت در عصر امامان علیهم‌السلام و در عصر معاصر، شاخص‌های مدعیان دروغین، بسترها و زمینه‌های گرایش مردم به مدعیان دروغین و راهکارهای رویارویی با مدعیان کاذب در جداول مجزا با تعیین مقولهٔ عام و محوری آورده‌اند و از جمله ویژگی‌های پیروان این مدعیان به مقولهٔ جهل اشاره کرده‌اند و دلایل معرفت‌شناختی باورهای پیروان بررسی نشده است. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «معیارهای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت» (جوکار، ۱۴۰۰)، نویسنده مهمترین معیارهای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت را مواردی چون، تظاهر

به زهد دینی و نقض آن، معنویت‌گرایی سکولار، تحریف و جعل و تقطیع در منابع و متون دینی برشمرده است؛ همچنین در مقالهٔ «بررسی زمینه‌های معرفتی پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر» (کمیاب، ۱۴۰۱)، نگارنده با بررسی فایل‌های صوتی، تصویری و پرونده‌های قضایی زمینه‌های معرفتی گرایش به مدعیان کاذب را استناد به منابع ضعیف، سطحی‌نگری، اخباری‌گری افراطی، تطبیق‌گرایی و خرافه‌گرایی عنوان کرده است.

در مجموع می‌توان گفت که تاکنون مطالعات انجام شده دربارهٔ دعاوی مهدویت و پذیرش این دعاوی کاذب سه رویکرد را اتخاذ کرده‌اند که شامل: ۱. مطالعات گونه‌شناسی دعاوی کاذب، ۲. مطالعات علت‌کاوانهٔ پذیرش دعاوی کاذب، ۳. مطالعات راهکارمحور در مواجهه با دعاوی کاذب است. با این حال پژوهش‌های موجود بیشتر رویکردی توصیفی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی داشته، هیچ‌یک رویکرد معرفت‌شناختی جامعی در این زمینه نداشته، مبانی معرفتی باورهای پیروان مدعیان کاذب را تحلیل نکرده، فرایند شکل‌گیری باورها را بصورت نظام‌مند مورد بررسی قرار نداده و رویکردی میان رشته‌ای ناظر به دستاوردهای روان‌شناسی شناختی و یافته‌های جامعه‌شناسی معرفتی ندارند. ازاین‌رو این پژوهش با رویکردی نو و با تمرکز بر مؤلفه‌های معرفت‌شناختی، به بررسی چالش ناقض معرفتی در شکل‌گیری باورهای مهدوی می‌پردازد. در این راستا ابتدا تلاش شده با تحلیل فلسفی ـ کلامی فرایند شکل‌گیری باورها و نقش فضایل و رذائل معرفتی در پیدایش آنها مورد توجه قرار گیرد و سپس چارچوبی نظری برای توجیه‌پذیری باورها از جمله باورهای مهدوی ناظر به متون دینی و تجربی عرضه شود.

۱. توجیه‌پذیری باور در نگرهٔ معرفت‌شناسی

مسئلهٔ توجیه باور یکی از محوری‌ترین مباحث معرفت‌شناسی معاصر است. در سنت معرفت‌شناسی، معرفت را «باور صادق موجه» تعریف می‌کنند (پویمن، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹). با این حال در بررسی چگونگی شکل‌گیری باور، سه سطح تحلیلی متمایز قابل شناسایی است.

الف) سطح علّی: در این سطح زمینه‌های روان‌شناختی شکل‌گیری باور، بسترهای اجتماعی ـ فرهنگی و تأثیرات محیطی و تربیتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ب) سطح معرفتی: در این سطح شواهد و قرائن عقلانی، استدلال‌های منطقی و مبانی معرفتی در شکل‌گیری باور مد نظر است.

ج) سطح کارکردی: در این سطح پیامدهای عملی باور، نتایج رفتاری و کارکردهای اجتماعی باور در شکل‌گیری باورها نقش دارند (Goldman, 2012, pp.120-12).

معرفت‌شناسان معتقدند که اگرچه باور صادق از مؤلفه‌های اصلی و پیش‌نیاز معرفت است، امّا صدق و توجیه برای معرفت کافی نیست (پویمن، ۱۳۹۶، ص ۲۴۲)؛ به سخن دیگر شخص باید باورش را به روشی کسب نماید که به باور صادق منجر شود و نحوهٔ کسب باور او باید به گونه‌ای باشد که تضمین کند، صدق باور او اتفاقی نیست و او بتواند توجیهی برای باور خود اقامه نماید. ازاین‌رو مبنای معرفتی برای باور، باید احتمال صدق باور را افزایش دهد و ازاین‌رو می‌توان گفت توجیهی برای باور، معرفتی است که نخست احتمال صدق گزارهٔ مذکور را فزونی بخشد و دوم دسترسی‌پذیری شناختی داشته باشد (سادات منصوری، ۱۳۹۹، ص ۴۰-۴۱). افزایش احتمال صدق باور خود با مؤلفه‌های ارتباط منطقی باور با واقعیت، قابلیت آزمون‌پذیری و سازگاری درونی مرتبط است. از سویی منظور از دسترسی‌پذیری شناختی وجود ویژگی‌های شفافیت معرفتی، قابلیت بازسازی استدلالی و امکان ارزیابی نقادانه است (Steup, 2018, pp.145-147).

۱-۱. رویکرد درون‌گرایی و برون‌گرایی در توجیه‌پذیری باور

در معرفت‌شناسی معاصر، دو رویکرد عمده در باب توجیه باور مطرح است: درون‌گرایی[1] و برون‌گرایی[2]. درون‌گرایی، که عمدتاً توسط معرفت‌شناسان کلاسیک و برخی متأخرین مورد دفاع قرار گرفته، بر دو اصل اساسی استوار است: دسترسی‌پذیری[3]

1. Internalism
2. Externalism
3. Accessibility

و مسئولیت معرفتی[1] (BonJour, 1985, p.8). اصل دسترسی‌پذیری بیان می‌کند که فاعل شناسا باید به عوامل توجیه‌کننده باورهایش دسترسی آگاهانه داشته باشد. این دسترسی می‌تواند از طریق تأمل درونی، شهود، یا بازاندیشی حاصل شود. چیزهولم معتقد است فاعل شناسانه تنها می‌تواند محتوای باورهایش را درک کند، بلکه قادر است دلایل پذیرش آن باورها را نیز تشخیص دهد (Chisholm, 1989, pp.75-76). مسئولیت معرفتی، به‌عنوان دومین رکن درون‌گرایی، بر تعهد فاعل شناسا در قبال باورهایش تأکید دارد. این مسئولیت شامل تلاش فعالانه برای افزایش باورهای صادق و کاهش باورهای کاذب است.

اما رویکرد درون‌گرایی با چالش‌های جدی مواجه است. گلدمن (۱۹۷۹) اشاره می‌کند که دسترسی‌پذیری کامل به مبانی توجیهی باورها همواره ممکن نیست و مسئله خودفریبی می‌تواند اعتبار شهودهای درونی را مخدوش سازد. در مقابل، برون‌گرایی که به‌طور عمده با نظریه اعتمادگرایی[2] گلدمن شناخته می‌شود، تأکید را از دسترسی درونی به فرایندهای مولد باور منتقل می‌کند. طبق این دیدگاه، آنچه اهمیت دارد اعتمادپذیری فرایندهای شکل‌دهنده باور است، نه توانایی فاعل در توضیح این فرایندها (Goldman, 1979, p.13). پلنتینگا (۱۹۹۳) با طرح کارکردگرایی مناسب[3] این دیدگاه را تکمیل می‌کند و معتقد است توجیه معرفتی مستلزم کارکرد صحیح قوای شناختی در محیط مناسب است. برون‌گرایی مزایای قابل توجهی دارد: راه‌حلی برای مسئله شکاکیت عرضه می‌کند، مشکل استقراء و اذهان دیگر را حل می‌کند و توجیهی برای معرفت حسی و حافظه‌ای فراهم می‌آورد (Sosa, 2007). با این حال، همان‌طور که آلستون (۱۹۸۹) اشاره می‌کند، رویکرد تلفیقی که عناصر درون‌گرایی و برون‌گرایی را ترکیب می‌کند، می‌تواند تبیین جامع‌تری از ماهیت معرفت و توجیه ارائه دهد. این رویکرد هم به اهمیت

1. Epistemic Responsibility
2. Reliabilism
3. Proper Functionalism

فرایندهای قابل اعتماد توجه دارد و هم نقش آگاهی و مسئولیت‌پذیری معرفتی را به رسمیت می‌شناسد.

۲. معرفت‌شناسی فضیلت‌محور

معرفت‌شناسی فضیلت‌محور یکی از رویکردهای نوین در حوزه معرفت‌شناسی است که بر نقش محوری فضایل معرفتی در فرایند کسب معرفت تأکید دارد. در این بخش نخست به تبیین مفاهیم کلیدی معرفت‌شناسی فضیلت‌محور می‌پردازیم و سپس در بخش بعدی به تحلیل و نسبت آن با مسئله باورهای مهدوی خواهیم پرداخت.

«فضیلت معرفتی» از دو مفهوم کلیدی «فضیلت» و «معرفت» تشکیل شده است. در سنت فلسفه اسلامی، متفکرانی چون فیض کاشانی «فضیلت» را عامل سعادت اخروی (سیدقریشی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸)، و فارابی آن را عامل ارتقای کمال ذاتی اشیاء دانسته‌اند. ابن‌سینا نیز فضیلت را ملکات نفسانی که منجر به افعال نیک می‌شود، می‌داند (شجاعی، ۱۳۹۶، صص ۴۹-۵۰). در دوران معاصر، زاگزبسکی فضیلت را مزیتی اکتسابی با دو ویژگی انگیزش و کامیابی تعریف می‌کند (جوادپور، ۱۳۹۳، ص ۲۷). در مورد «معرفت»، آن را غالباً در معنای مطلق علم، آگاهی و اطلاع دانسته‌اند و از آن به‌طور کلی در معنای «شناخت» نیز یاد می‌شود. اغلب فیلسوفان مسلمان متفق‌القولند که همهٔ تعاریف ارائه شده از کلمهٔ علم یا معرفت، تعریف شرح الاسمی است (اکبریان، ۱۳۹۱، ص ۱۲). در نظر زگزبسکی که خود از معرفت‌شناسان فضیلت محور است، «معرفت» باوری است که باورنده را به صدق می‌رساند، زیرا وی به طرقی عمل می‌کند که به لحاظ معرفت‌شناختی وظیفه‌شناسانه است (عسکرزاده، پیکانی، ۱۳۹۵، ص ۸). با این توصیف فضایل معرفتی، فضایل عقلانی یا فضایل فکری، فرایندهای قابل اعتمادی برای تولید باورهای صادق یا فهم باورها هستند (Zagzabski,1996, p333). رویکردهای معرفت‌شناسی فضیلت‌محور به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

الف) وثاقت‌گرایی: که فضایل عقلانی را قوای قابل اعتماد می‌داند.

ب) مسئولیت‌گرایی: که بر ویژگی‌های رفتاری و منشی اکتسابی تأکید دارد (میراحمدی، دهباشی، ۱۳۹۴).

مطابق هر دو رویکرد، معرفت دو سطح دارد سطح پایه (معرفت حیوانی) و سطح برتر (معرفت تأملی). با این وصف، در معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا، تلقی یکسانی از فضیلت وجود ندارد. سوسا آنها را از سنخ قوا و استعدادهای معرفتی می‌داند، اما زاگزبسکی آنها را از سنخ ویژگی‌های رفتاری و خصائص شخصیتی و همچنین جزء فضایل اخلاقی و زیرشاخهٔ آن می‌داند و هر چند نگاه ارسطویی به فضایل عقلانی دارد، تفکیک بین فضایل عقلانی و اخلاقی را بر نمی‌تابد (جوادپور، جوادی، ۱۳۹۳). با وجود این، اگرچه معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا بیان می‌دارد که فضایل عقلانی یا معرفتی، روش‌ها یا عادات خوبی برای شکل‌گیری و تداوم باورها صادق و اجتناب از باورهای کاذب هستند (پویمن، ۱۳۹۶، ص ۴۰۷)، امّا این مهم را نباید از نظر دور داشت که چه بسا برخی فضایل اخلاقی از جمله فروتنی اخلاقی در مقابل فروتنی‌فکری[1] رهزن معرفت یا همان باورِ صادق موجه باشد و بدین لحاظ در معرفت‌شناسی یک رذیلهٔ اخلاقی محسوب شود (Beaher,2017, p 221- 222). کوتاه سخن آنکه فضایل معرفتی شامل مواردی چون، روحیه پرسشگری، شجاعت عقلی، جامع‌نگری، توجه به قراین و مشاهده هوشیارانه است (پویمن، ۱۳۹۶، ص ۴۰۹).

با این مقدمهٔ و ناظر به رویکرد معرفت‌شناسانهٔ این پژوهش، به نظر می‌رسد از منظر برون‌گرایانه باور پیروان متمهدیان با چالش‌هایی در حوزهٔ فضایل معرفتی روبرو است. چنانکه باور آنها از منظر وثاقت‌گرایی بعلت ضعف‌های شناختی این پیروان در زمینهٔ فضایل عقلانی توجیه‌پذیر نیست. ازاین‌رو در بررسی باورهای پیروان مدعیان مهدویت، معیارهای معرفت‌شناسی فضیلت‌محور می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای ارزیابی توجیه‌پذیری این باورها به کار رود. نکته قابل توجه این است که فقدان فضایل معرفتی

۱. معرفت‌شناسان غالباً از مجموعهٔ خصوصیاتی که در زمرهٔ فضایل معرفت‌شناسانه قرار می‌گیرد بعنوان «فروتنی فکری intellectual humility» یاد می‌کنند. (Zagzebski 1996; Roberts and Wood 2007)

لازم می‌تواند منجر به شکل‌گیری باورهای غیرموجه شود، حتی اگر باورنـده بـر صـحت آن اصرار داشته باشد.

۳. چالش ناقض معرفتی ناظر به باور پیروان متمهدیان

باورهای پیروان مدعیان کاذب به لحاظ توجیه‌پذیری، بیشتر با چالش‌های ناقض معرفتـی مواجه است. این چالش‌های ناقض معرفتی از سه منظر می‌توانـد مـورد توجـه قـرار واقـع شود: ۱. چالش‌های مربوط به توصیف؛ ۲.چالش‌هـای مربـوط بـه تجربـه؛ ۳. چالش‌هـای مربوط به متعلق تجربهٔ (دیویس، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵).

پیروان مدعیان کاذب مهدویت غالباً بـا وجـود ادلـهٔ معرفتـی همچنـان بـر بـاور باطـل خـویش اصـرار می‌ورزنـد و بیـان می‌دارنـد کـه مهـدی موعـود را شـناخته‌اند و صـفات ظاهری، گفتار و کردار فردی که خود را مهدی موعود معرفی کرده تردیدی برای آنهـا باقی نمی‌گذارد که شخص مذکور همان منجـی آخرالزمـانی اسـت. امّـا بـاور پیـروان از جهات مختلف با چالش‌های ناقض معرفتی رو بـرو اسـت کـه بـه برخـی مـوارد در ذیـل اشاره می‌شود:

۳-۱. چالش‌های مرتبط با توصیف؛ ناسازواری مدعیات متمهدیان با نصوص دینی

در بسیاری از موارد باورهای پیروان مدعیان کاذب به علـت عـدم انطبـاق توصـیفات متمهدیان با معیارهای روایی، وجود تناقضات درونی در توصیفات عرضه شـده و فقـدان سازگاری توصیفات با منابع معتبر تاریخی با چالش ناقض معرفتی روبروست و باورهـای آنان را ناموجه می‌سازد. برای مثال در روایتی از جابر از رسول خداﷺ نقـل شـده اسـت که «مهدی از فرزندان من و نام او نام من و کنیهٔ او کنیهٔ مـن و هماننـدترین مـردم از نظـر چهره و رفتار به من است» (ابن‌بابویـه، ۱۳۶۳، ص ۲۸۶). ناظر به این روایت که مورد اتفاق شیعه و سنی است به‌طور قطع یکی از نام‌های مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف محمد است، اما بسیاری از متهمـدیان مانند سیدعلی محمد شیرازی، میـرزاغلام احمـد قادیـانی، سیدمصـطفی برزنجـی و الکـر عاوی و صدها مدعی دیگر نامی غیر از محمـد دارنـد و ازایـن‌رو نمی‌تواننـد مهـدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

باشند؛ همچنین یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف این است که نسبت آن حضرت به رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و دخت گرامی ایشان می‌رسد. چنانکه در روایت آمده است «المهدی من عترتی من ولد فاطمه» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۸۰). ازاین‌رو ادعای متمهدیانی چون محمد حنفیه، محمد بن عبدالله بن تومرت مغربی، محمد بن یوسف جنپوری، محمد احمد سودانی، محمد بن عبدالله قحطانی و بسیاری از مدعیان کاذب مهدویت که نسبت به ریحانهٔ رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نمی‌برند، باطل خواهد بود. از سوی دیگر مطابق باور شیعه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از نسل امام حسین علیه‌السلام است، هرچند اهل سنت در این باره اختلاف دارند و بسیاری ایشان را از نسل امام حسن علیه‌السلام می‌دانند. با همهٔ این اوصاف بسیاری از کسانی که ادعای مهدویت کرده‌اند یا می‌کنند، به هیچ یک از دو فرزند حضرت فاطمه علیهاالسلام نسب نمی‌برند. نکتهٔ دیگر در عدم سازواری ادعای مدعیان مهدویت با نصوص دینی، عدم تحقق نشانه‌های ظهور است؛ چنانکه امام رضا علیه‌السلام در رد ادعای مهدویت محمد بن ابراهیم، معروف به ابن‌طباطبا به تحقق نیافتن سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح استناد کرده‌اند (مجلسی، ج۵۲، ص ۲۳۳). در نهایت مطابق روایات شیعی هدف بزرگ منجی آخرالزمانی، برقراری عدل و داد در همهٔ جهان است و او بی‌گمان باید بر تمام زمین چیره شود (ابن‌بابویه، ۱۳۶۳، صص ۶۴۹، ۲۸۰، ۳۱۸). بنابراین اگر کسی که ادعای مهدویت می‌کند، بدون اینکه بر تمام زمین مسلط شود و عدالت را حکم‌فرما کند، از دنیا برود بی‌گمان مهدی نیست (حجامی، ۱۳۹۵، صص ۲۴۰ - ۲۴۸). ناظر به موارد گفته شده، می‌توان بیان داشت که با وجود نقل‌های روایی و تبیین شواهدی برای مصداق‌یابی مهدی موعود راستین، پافشاری پیروان در تبعیت از مدعیان کاذب، باور آنها را با چالش ناقض معرفتی مواجه می‌سازد.

۳-۲. چالش‌های مربوط به تجربه؛ چالش تخالف با سیرهٔ متدینین

همچنین باورهای پیروان مدعیان کاذب به علت عدم انطباق با تجارب موجه متدینان دچار خدشه است. چنانکه یکی از ویژگی‌های مدعیان کاذب، مخالفت ایشان با مراجع تقلید و اعاظم علما بوده و هست. چنانکه احمد اسماعیل، گوی سبقت را در این زمینه از

دیگران ربوده و تا جایی پیش‌می‌رود که پیروان وی هیچ‌گاه نام مرجعی را بر زبان نمی‌رانند، مگر اینکه آن مرجع را لعنت کرده و از او به‌عنوان گمراه‌کنندهٔ مردم یاد می‌کردند و حتی اوصاف ناپسندی به خانوادهٔ ایشان نسبت می‌دادند. علی یعقوبی نیز همهٔ فقها را به نداشتن فهم درست در فقه متهم کرده و بیان می‌داشت که فقط خودش جایگاه فقه را می‌داند. گاه این عملکردها صبغهٔ روایی نیز پیدا می‌کرد و آنها به روایاتی استناد می‌کردند، که شانزده هزار تن از قاریان قرآن و علمای دین به جنگ با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بر می‌خیزند (همان، صص ۳۷۴ - ۳۷۵). این در حالی است که راوی این حدیث رئیس فرقهٔ زیدیه یعنی ابوالجارود است (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۴۹۹) و عالمان راستین دین و مراجع تقلید همواره در تبیین صفات مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و تبعیت از فرامین ایشان و اجداد بزرگوارشان تأکید ورزیده‌اند. متدین راستین نیز که مراجع را واجد ملکه تقوا و دانش دین می‌شمرند، تبعیت از ایشان را بر خود واجب می‌دانند؛ ازاین‌رو افرادی که جذب مدعیان کاذب شده و جایگاه عالمان دینی را کوچک می‌شمرند با چالش تخالف با سیرهٔ متدینین مواجه هست.

۳-۳. چالش‌های مربوط به متعلق تجربه؛ چالش تخطی از قول صریح عالمان دین

بسیاری از بزرگان دین در مواجهه با مدعیان یا نایبان کاذب امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف رویکردی عالمانه و صریح اتخاذ کرده‌اند و هرچند پیروان این مدعیان کاذب بر باور خویش اصرار ورزیده‌اند، به صراحت نسبت به ادعای کذب این مدعیان هشدار داده‌اند. نقل است که عده‌ای به بیت آیةالله فاضل لنکرانی مراجعه کردند و اصرار داشتند که نامه‌ای را از جانب شخصی به نام عرفانیان که خود را نایب امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف معرفی می‌کرده به دست ایشان برسانند. آقازادهٔ آن مرجع عالیقدر نامه‌ای را که مریدان به گفتهٔ عرفانیان، امام زمان آن را نوشته بود از ایشان دریافت می‌کنند و اولین واکنش ایشان پس از دیدن نامه این بوده که چرا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نامه را به فارسی نوشته‌اند و چرا اینقدر نامه بدخط است؟ و سپس به یکی از پیروان که از قضا دروس حوزوی خوانده بود می‌گویند: مگر نخوانده‌ای که امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به نایب خاص چهارم خود گفتند که پس

از تو کسی دیگر من را نمی‌بیند و هر کسی ادعای رؤیت من را بنماید، او را تکذیب کنید که افترازننده است. و در ادامه می‌گویند: آیا من فرمایش امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را بپذیرم یا کلام شخصی که شما از جانب او برای من نامهٔ امام معصوم را آورده‌اید؟ همچنین ایشان از قول والد معظم‌شان بعد از دادن نامه به ایشان بیان می‌دارند که پدرشان بسیار متأثر شدند و فرمودند: چرا برخی این چنین مسئلهٔ امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را به بازی گرفته‌اند و می‌خواهند از اعتقادات مردم سوء استفاده کنند و سپس عرفانیان را کذاب و تهمت‌زن می‌خوانند. با وجود چنین تبری آشکاری از جانب مرجع تقلید معظم، همچنان افرادی مرید عرفانیان باقی ماندند و گفتار و رفتار او را توجیه می‌کردند (حجامی، ۱۳۹۵، صص ۳۵۴-۳۵۸). در این مورد نیز با وجود مخالفت و نهی صریح عالم دینی از پذیرش مدعی دروغین، باز هم برخی پیروان بر باور کاذب خود پافشاری کردند و ازاین‌رو باورشان با وجود ادله با چالش ناقض معرفتی روبرو است.

ناظر به سه چالش ناقض معرفتی عنوان شده، راهکاری برون‌گرایانه نسبت به فضایل معرفتی پیروان متمهدیان می‌تواند از اساس توجیه باور پیروان مدعیان کاذب را با چالش مواجه کرده و آن را مردود شمرد. به سخن دیگر فضایل معرفتی و فکری، ابزاری برای ارزیابی و راستی‌آزمایی باور پیروان مدعیان کاذب است. چنانکه اگر این پیروان در هنگام مواجهه با دعوی مهدویت از سوی متمهدیان از فضایل فکری لازم برای تمییز حقیقت برخوردار نباشند، باورشان توجیه‌پذیر نبوده و دچار خدشه است.

بدین لحاظ اگر فردی ادعا کند که مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را ملاقات کرده و تجربهٔ او تجربه‌ای واقع نماست، باور او با زیرمجموعهٔ دیگری از چالش‌ها مواجه است. نخست اینکه آیا دعاوی ادراکی فرد (در اینجا پیروان متمهدیان) قابل وثوق است؟ دوم آنکه آیا فرد آموزش‌های لازم برای راستی‌آزمایی تجربهٔ خویش را کسب کرده است؟ این آموزش‌ها هم می‌توانند شامل کسب فضایل فکری باشند و هم ناظر به صحت‌سنجی دعوی مدعیان. سوم آنکه آیا گزارش آن فرد با افراد صاحب فضیلت عقلانی تعارضی ندارد و به سخن دیگر ما با دعاوی متعارض مواجه نیستیم؟ چهارم آنکه آیا

صاحب تجربهٔ ملاقات با متمهدیان، ازنظر شرایط تجربهٔ ادراکی در وضعیت غیربیماری بوده است؟

از منظر امامیه، برخی گزارش‌های روایی ناظر به شرایط پذیرش و وثاقت یک راوی در نقل حدیث، ناظر به فضایل عقلانی یا فکری او است. اصطلاحات رجالی مدحی چون «حافظ» که به کسی گفته می‌شود که سنت رسول‌خدا ﷺ را می‌شناسد یا انتساب الفاظی چون «فهیم»، «متقن»، «متحقق» و «حاذق» که نشان از ژرف‌اندیشی راوی است، مؤید این مهم است؛ همچنین اصطلاحات ذمی چون «متعصب» نشانگر سوگیری شناختی راوی و لفظ «غالی» نشان از مبالغه‌گری روای در بیان است که صدق او در روایت را دچار خدشه می‌کند (جدیدی نژاد، ۱۴۲۲، ص ۱۰۳). ازاین‌رو هم شواهد نقلی و هم سیرهٔ علما و بزرگان دین چنین بوده که ادعا و باور شخص را با قراین بیرونی و از جمله ویژگی‌های فکری او بسنجند و اگر باور او را مواجه با چالش‌های ناقض معرفتی یافتند آن را رد کنند.

یکی از راهکارهایی که امامان معصوم علیهم‌السلام برای روشنگری و بازنمایی حقیقت از آن بهره می‌بردند، مناظره و بحث بود. آنها با مخالفان، با مدعیان کاذب و نیز با پیروان متمهدیان بحث می‌کردند و به این طریق نه تنها به یاران خود بهره‌گیری از قابلیت‌های فکر را می‌آموختند تا بدون ارزیابی‌های شناختی و عجولانه سخنان هر آنکه خود را به آنها منتسب می‌کند یا خود را مهدی موعود معرفی می‌کند، باور نکنند، بلکه به آنها می‌فهمانند که باورشان با نقیض معرفتی روبرو است و پافشاری آنها بر مدعیاتشان سودی نخواهد داشت؛ برای مثال امام صادق علیه‌السلام در مواجهه با ادعای نحلهٔ کیسانیه بر حیات محمد بن حنفیه از باورهای خود این نحلهٔ فکری علیه‌شان بهره بردند؛ همچنین امام رضا علیه‌السلام در مناظراتی که با واقفیه داشتند؛ یعنی کسانیکه معتقد بودند، امام موسی کاظم علیه‌السلام نمی‌میرد تا بر شرق و غرب جهان مسلط شود و سراسر دنیا را پر از عدل و داد کند و او را همان مهدی قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه می‌دانستند، از ترفندهای خلاقیت فکری، جامع‌نگری و ژرف نگری و حافظهٔ بسیار خوب نسبت به گفتار اجدادشان و نص قرآن کریم بهره

بردند تا تعارض باور آنها با نص صریح متون دینی را بازنمایی کنند (طوسی، ۱۳۴۸، صص ۶۱-۶۹). از سوی دیگر سیرهٔ عالمان دینی در روشنگری پیروان مدعیان مهدویت، نه تنها بیانگر اهمیت بازشناسی مدقانهٔ مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است، بلکه مبین این مهم است که آنان به شواهد ظاهری اکتفا نمی‌کردند و زبان‌بازی‌های مدعیان کاذب آنها را مقهور نمی‌ساخت. شجاعت، تواضع فکری و شکیبایی آنان در رصد قرائن برای کشف حقیقت، موجب می‌شد تا آنان خطای این متمهدیان را آشکار کرده و به پیروان آنها در راستی‌آزمای ادعای متمهدیان تذکر دهند. چنانکه آیة‌الله شیخ حسین لنکرانی دربارهٔ گرایش مردم به علی محمد باب معتقد بود که از یک سو باور به منجی آخرالزمانی در آموزه‌های شیعه و محبت قلبی شیعیان به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف موجب شده بود، که برخی شیعیان ساده لوح اسیر بازیگران سیاسی شوند (کوچک‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۸۵)؛ ازاین‌رو در کنار عوامل بیرونی چون نابسامانی اقتصادی، ظلم، فزونی خواهی و سوء استفاده‌های مالی، مهمترین عامل درونی که موجب رشد مدعیان دروغین مهدویت می‌شود، جهل مردم و فقدان فضایل معرفتی در پیروان آنهاست. مدعیان دروغین از این جهل سوء استفاده می‌کردند و باورهای غلط را به مردم تلقین می‌کردند. مثلاً سیدکاظم رشتی، از کسانی بود که بدون در نظر گرفتن روایات معصومان علیهم‌السلام مبنی بر عدم تعیین وقت ظهور، بشارت به نزدیکی ظهور می‌داد و می‌گفت: «شاید امام غایب، میان شماها باشد» (مدرسی، چهاردهی، ۱۳۴۵، ص ۲۰). اسماعیلیان از روایت طلوع خورشید از مغرب که بیشتر در منابع اهل سنت آمده و به کتاب‌های شیعه راه پیدا کرده، برداشتی ناروا کردند و آن را بر مهدی فاطمی که از «مغرب» در شمال آفریقا قیام کرد، تأویل بردند (قاضی نعمان، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۱۸).

گزارش‌های ذکر شده گواه این مدعی است که با وجود چالش‌های ناقض معرفتی نسبت به صدق ادعای متمهدیان، همچنان افرادی از آنها پیروی می‌کردند. در این مواقع بهترین برون‌رفت، ارزیابی فضایل فکری و معرفتی فاعل شناسا از منظر برون‌نگرایانه است تا باورهای او توجیه‌پذیر تلقی شود.

۴. نقش فضایل معرفتی در سامان یافتن باور موّجه پیروان مهدوی

چنانکه بیان شد از دیدگاه معرفت‌شناسان فضیلت‌گرا فضایل معرفتی، غالباً ویژگی‌هایی ناظر به قابلیت‌های خردورزی یا تعقل هستند.در فلسفه عقل واژه‌ای با معانی و کاربردهای بسیار متنوع است. در این میان بیشترین کاربرد عقل در معرفت‌شناسی به دو معنا است: ۱. نیرویی که وظیفهٔ ادراک برخی از مفاهیم کلی را بر عهده دارد. ۲. مدرَک عقلی (معقول) که محصول نیروی ادراکی است (سادات منصوری، ۱۳۹۹، ص ۸۱). امّا در نگاه کلی چه عقل را نیروی ادراکی و چه آن را محصول دستگاه ادراکی بدانیم، این مفهوم جایگاه ویژه‌ای در کسب معرفت دارد. از نظر امام علی علیه‌السلام تمامیت انسان بر چهار ستون استوار است که یکی از آنها را عقل تشکیل می‌دهد (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۵۴). بی‌شک عقل پیش نیاز کسب علم و معرفت است و خداوند در قرآن آنانکه به علم دست می‌یابند در رتبه‌ای فراتر از دیگران قرار می‌دهد: «يَرْفَعِ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، ۹).

در این پژوهش ما متمرکز بر فضایل عقلانی هستیم که شخصی که قصد تمیز ادعای صدق مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه راستین از مدعیان دروغین را دارد، باید خود را به آنها متصف نماید تا باورهای او توجیه‌پذیر باشد. در معرفت‌شناسی ویژگی‌های متفاوتی ناظر به فضایل معرفتی ذکر شده که می‌توان آنها را ذیل ۵ توانمندی خردمندی و دانایی ناظر به رویکرد روانشناسی دسته‌بندی کرد. قرآن و روایات نیز توصیه‌های بسیاری در کسب فضایل معرفتی دارند که با فضایل برشمرده در معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا هم‌پوشان است.

از منظر روانشناسی و معرفت‌شناسی برای فضیلت خردمندی ویژگی‌هایی ذکر شده که عمده‌ترین آنها شامل:

۱. خلاقیت، یعنی توانایی حل مسائل بصورت مبتکرانه؛ ۲. آزاداندیشی، یعنی داشتن تفکر انتقادی، واقع‌بینی، اجتناب از تعصب و پیشداوری؛ ۳. کنجکاوی، نیاز به دانستن، تلاش برای یافتن حقیقت، و سؤال از دیگران؛ ۴. عشق به یادگیری، در معنای علم آموزی و لذت از یادگیری و دانش افزایی؛ ۵. ژرف‌نگری که شامل شنیدن نظرات

متفاوت، مشورت کردن، تیزبینی و جستجوی رابطهٔ علت و معلولی است (پیترسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، صص ۱۷۱ – ۱۸۸).

۴-۱. خلاقیت

خلاقیت در اندیشه‌ورزی مستلزم نوآوری است و البته این نوآوری باید انطباقی باشد یعنی باید به زندگی آن فرد یا دیگران کمک مثبتی نماید (پیترسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۱۹۴). خلاقیت در اندیشیدن مستلزم نوعی تهور یا شجاعت عقلی در شکستن قالب‌هاست. کسی که برای کشف حقیقت آمادگی مخاطره دارد و از ابراز حقیقت ولو ناخوشایند جمعی باشد واهمه ندارد، بی‌شک از فضیلتی معرفتی برخوردار است. خداوند در قرآن از مردمانی یاد می‌کند که از اظهار حقیقت نمی‌ترسند؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده، ۴۴) در روایات هم اشاره شده که پیروان حقیقت با وجود اکثریت باطل از چیزی واهمه ندارند«... لَا اخْتِلَافَ فَلَمَّا غَشِيَ النَّاسَ ظُلْمَةُ خَطَايَاهُمْ صَارُوا إِمَامَيْنِ دَاعٍ إِلَى اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ دَاعٍ إِلَى النَّارِ فَعِنْدَ ذَلِكَ نَطَقَ الشَّيْطَانُ فَعَلَا صَوْتُهُ عَلَى لِسَانِ أَوْلِيَائِهِ وَ كَثُرَ خَيْلُهُ وَ رَجْلُهُ وَ شَارَكَ فِي الْمَالِ وَ الْوَلَدِ مَنْ أَشْرَكَهُ فَعُمِلَ بِالْبِدْعَةِ وَ تُرِكَ الْكِتَابُ وَ السُّنَّةُ وَ نَطَقَ أَوْلِيَاءُ اللهِ بِالْحُجَّةِ وَ أَخَذُوا بِالْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ فَتَفَرَّقَ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ أَهْلُ الْحَقِّ وَ أَهْلُ الْبَاطِلِ » امام جواد علیه‌السلام می‌فرماید:... ولی هنگامی که تاریکی خطاهای مردم آنها را فراگرفت دو (دسته و) امام پیدا شد، یکی آنان‌که بسوی خدای تبارک و تعالی دعوت می‌کردند، دیگری آنان‌که بسوی دوزخ می‌خواندند، در این هنگام بود که شیطان بزبان آمد، و آواز خود را به زبان دوستان و یاران خود بلند کرد و طرفداران سواره و پیاده‌اش بسیار شدند، و شرکت جست در مال و فرزند آنان‌که با او شرکت جستند پس بدعتگزاری شروع شد و کتاب و سنت کنار رفت و اولیا خدا که چنین دیدند بحجت و برهان گویا شدند و کتاب و حکنت را گرفتند و از آن روز اهل حق و باطل از هم جدا شدند (کلینی، ۱۳۶۲، ج۸، ص ۵۵).

۴-۲. آزاداندیشی

آزاداندیشی عبارت است از اشتیاق به جست و جوی فعالانهٔ شواهد علیه باورها، برنامه‌ها یا اهداف موردپسند خود، و ارزیابی منصفانهٔ این شواهد در هنگام حصول آنها. متضاد آزاداندیشی سوگیری خودتأییدگر نامیده می‌شود، که به گرایش فراگیر فرد به مطلوب شمردن و جانبداری از نگرش‌های کنونی اشاره دارد (پیترسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۲۴۳). بی‌شک آزاداندیشی مستلزم داشتن تفکر انتقادی، واقع‌بینی، اجتناب از تعصب و پیش‌داوری است و می‌تواند با مفهوم استقلال عقلی همپوشان باشد. استقلال عقلی در مقابل انفعال عقلی است. کسی که منفعلانه درحیطه عقلانیت و معرفت عمل می‌کند، اندیشه و باورهایش به وسیله دیگران هدایت می‌شود و در حقیقت دیگران جای او می‌اندیشند (همت‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹). قرآن ویژگی صاحبان خرد را گوش سپردن بدون تعصب و تبعیت از بهترین گفتار معرفی می‌کند؛ «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۸). از منظر قرآن افراد صاحب خرد از یک قوهٔ تمیز و غربالگری ذهنی برخوردار هستند، چنانکه در جای دیگر خداوند از تقلید کورکورانه ولو نسبت به نزدیکترین اعضای خانواده (پدران) انذار می‌دهد «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ». در روایات هم به این فضلیت اشاره شده چنانکه امام صادق علیه‌السلام به یکی از اصحابشان توصیه می‌کنند که سُست رأی و دهن بین نباشد، و بگوید «من با مردمم» و «من یکی از مردمم». لا تَكونَنَّ إمَّعَةً، تَقولُ : أنَا مَعَ النّاسِ وأنَا كَواحِدٍ مِنَ النّاسِ» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۷، ص ۲۶۶)؛ همچنین امام علی علیه‌السلام در توصیه‌ای به کمیل مردم را از نظر معرفتی درسه دسته قرار می‌دهند و دستهٔ آخر را افرادی معرفی می‌کنند که با هر بادی به سویی می‌خزند؛ کسانی که نه از روشنی دانش، فروغی یافتند و نه به سوی پناهگاهی استوار، شتافتند. «فَاحفَظ عَنّي ما أقولُ لَكَ، النّاسُ ثَلاثَةٌ : فَعالِمٌ رَبّانِيٌّ، ومُتَعَلِّمٌ عَلى سَبيلِ نَجاةٍ، وهَمَجٌ رَعاعٌ أتباعُ كُلِّ ناعِقٍ، يَميلونَ مَعَ كُلِّ ريحٍ، لَم يَستَضيئوا بِنورِ العِلمِ، ولَم يَلجَؤوا إلى رُكنٍ وَثيقٍ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷). امام سجاد علیه‌السلام در توصیه‌ای

دیگر به یکی از اصحاب خود، او را از اینکه از شخصی بت بسازد و تبعاً بدون اندیشه‌ورزی سخنان او را حجت قرار دهد پرهیز می‌دهند. «إِيَّاكَ وَ اَلرِّئَاسَةَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَطَأَ أَعْقَابَ اَلرِّجَالِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَمَّا اَلرِّئَاسَةُ فَقَدْ عَرَفْتُهَا وَ أَمَّا أَنْ أَطَأَ أَعْقَابَ اَلرِّجَالِ فَمَا ثُلُثَا مَا فِي يَدِي إِلاَّ مِمَّا وَطِئْتُ أَعْقَابَ اَلرِّجَالِ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِيَّاكَ أَنْ تَنْصِبَ رَجُلاً دُونَ اَلْحُجَّةِ فَتُصَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ » (کلینی، ۱۳۶۲، ج۱، ص ۴۰).

۴-۳. کنجکاوی

از جمله فضایل خردمندی کنجکاوی است، نیاز به دانستن، تلاش برای یافتن حقیقت، و پرسش از دیگران از لوازم آن است. کنجکاوی، علاقه جستجوی تازگی و گشودگی به تجربه نشانگر میل فطری به تجربه و دانستن است. کنجکاوی مستلزم بازشناسی، پیگیری و نظم‌بخشی فعالانه تجربهٔ فردی در واکنش به موقعیت چالش‌زاست (پیترسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۲۱۶). بسیاری از آیات قرآنی انسان‌ها را به کاوشگری در آیات آفاقی و انفسی دعوت می‌کنند تا از او بخواهند در پی معرفت باشد. در سورهٔ غاشیه آمده است: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿۱۷﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿۱۸﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿۱۹﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿۲۰﴾». یا در جای دیگر می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۰﴾». بدون شک پرسش از دیگران از جمله نشانه‌های کنجکاوی برای حقیقت‌یابی است. در قرآن در توصیه از پرسش از دیگران آمده است « فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، ۴۳)؛ همچنین در روایات توصیه به پرسش‌گری شده است چنانکه رسول خدا ﷺ دانش را گنجینه‌ای معرفی کند که کلید آن پرسش است «العِلمُ خَزائنُ و مَفاتِيحُهُ السُّؤالُ» (حرانی، ۱۴۰۴، ج۱، ص ۴۱). امام صادق علیه‌السلام نیز با همین مضمون بیان می‌کنند که همانا بر علمی قفلی است و کلید آن سؤال است «اِنَّ هَذَا اَلْعِلْمَ عَلَيْهِ قُفْلٌ وَ مِفْتَاحُهُ اَلْمَسْأَلَةُ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج۱، ص ۴۰).

از دیگر لوازم کنجکاوی تواضع فکری است. تواضع فکری یعنی اینکه فرد آگاه

باشد که همه چیز را نمی‌داند (تک‌فلاح و دیگران، ص ۱۲). رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَن قالَ أنَا عالِمٌ، فَهُوَ جاهِلٌ» هر کس بگوید من عالمم، جاهل است (شهید ثانی، ۹۶۶، ص ۱۳۷)؛ همچنین امام علی ؑ در نامه‌ای خطاب به فرزندشان امام حسن ؑ در مورد تواضع علمی می‌فرماید: «قَرَعتُكَ بِأنواعِ الجَهالاتِ لِئَلاّ تَعُدَّ نَفسَكَ عالِمًا، فَإن وَرَدَ عَلَيكَ شَيءٌ تَعرِفُهُ أكبَرتَ ذلِكَ، فَإنَّ العالِمَ مَن عَرَفَ أنَّ ما يَعلَمُ فيما لا يَعلَمُ قَليلٌ، فَعَدَّ نَفسَهُ بِذلِكَ جاهِلاً فَازدادَ بِما عَرَفَ مِن ذلِكَ في طَلَبِ العِلمِ اجتِهادًا، فَما يَزالُ لِلعِلمِ طالِبًا وفيهِ راغِبًا ولَهُ مُستَفيدًا، ولِأَهلِهِ خاشِعًا مُهتَمًّا، ولِلصَّمتِ لازِمًا، ولِلخَطَأ حاذِرًا ومِنهُ مُستَحيِيًا، وإن وَرَدَ عَلَيهِ ما لا يَعرِفُ لَم يُنكِر ذلِكَ لِما قَرَّرَ بِهِ نَفسَهُ مِنَ الجَهالَةِ». من تو را به نادانی‌های گوناگونت کوبیدم، تا خود را دانا مپنداری و اگر چیزی به تو رسید که آن را شناختی، آن را بزرگ مشماری؛ زیرا دانا کسی است که دریابد آنچه می داند در برابر آنچه نمی داند اندک است و بدین سبب خود را نادان بشمارد و به مدد این دریافت، بر کوشش خود در جستجوی دانش بیفزاید و همواره جویا و شیفته دانش باشد و از آن بهره گیرد و در برابر دانشمندان، فروتن و دل سپرده و پیوسته خاموش، و از خطا، پرهیزگار و شرمگین باشد و اگر چیزی بر او درآمد که نمی شناسد، آن را انکار نکند؛ چه به نادانی خویش اقرار دارد (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷۳). در جای دیگر ایشان در مورد مدعیان دانشی که دانشمند نیستند هشدار می‌دهند « رُبَّ مُدَّعٍ لِلعِلمِ لَيسَ بِعالِمٍ» (تمیمی آمدی، بی‌تا، ص ۳۸۴).

از دیگر مواردی که می‌تواند از لوازم کنجکاوی باشد شرم نکردن از پرسیدن است چنانکه از امام علی ؑ می‌فرماید کسی که نمی‌داند نباید از آموختن خجالت بکشد: «أَلَا لَا يَسْتَحْيِيَنَّ مَنْ لَا يَعْلَمُ أَنْ يَتَعَلَّمَ فَإِنَّ قِيمَةَ كُلِّ امْرِءٍ مَا يَعْلَمُ» (تمیمی آمدی، بی‌تا، ص ۱۷۹).

۴-۴. علاقه به فهمیدن

علاقه به فهمیدن و یادگیری در ارتباط با مؤلفه‌های مهمی چون جهت‌گیری انگیزشی، احساس شایستگی، ارزشمندی و علاقه رشدیافته است (پیترسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۲۶۸). قرآن توصیه به جامع‌نگر می‌کند و بیان می‌دارد که جز اندیشمندان کسی تعقل

نمی‌کند: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت، ۴۳). امام علی علیه‌السلام نیز استواری در دانش و فهم ندانسته‌ها را حاصل اندیشه در دانسته‌ها معرفی می‌کنند «من أكثر الفكر فيما تعلّم أتقن علمه و تفهّم ما لم يكن يفهم» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴، ص ۶۴۷) این گفتار نشان می‌دهد که دستیابی به حقیقت نیازمند آن است که برخی فضایل معرفتی با تکرار و استمرار برای شخص ملکه شود. از سوی دیگر علاقه به فهمیدن مستلزم شکیبایی و صبوری برای وصول به حقیقت است. چنانکه امام علی علیه‌السلام برای عالم سه نشانه بر می‌شمرد که مشتمل بر دانش بردباری و خاموشی. «إِنَّ لِلْعَالِمِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: الْعِلْمَ، وَ الْحِلْمَ، وَ الصَّمْتَ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج۱، ص ۳۷). یا در جای دیگر می‌فرماید: «حبّ العلم و حسن الحلم و لزوم الصّواب من فضايل أولى الألباب» دوست داشتن علم و بردباری نیکو و ملازم بودن با راه درست از فضیلت‌هی صاحبان عقل و خرد است (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴، ص ۳۴۹).

۴-۵. ژرف نگری

بیشتر روانشناسان خردمندی را به سه شیوه مفهوم‌سازی کرده‌اند: بر حسب فرایندهای بخردانه، فرآورده‌های بخردانه یا افراد خردمند. با این حال توصیفات به دست آمده از خردمندی هم‌پوشانی‌های فراوانی دارند خصوصاً در مورد یکی از جذاب‌ترین مفاهیم یعنی ژرف‌نگری یا داشتن چشم‌انداز (پیترسن، سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۲۹۳). ژرف‌نگری و چشم‌انداز داشتن مفهوم تعمق در طول یا عرض نظر را دربر دارد و به‌طور کلی به معنای فرارفتن از مرزهای اینجا و اکنون است. یکی از مفاهیم مرتبط با ژرف‌نگری توجه است. توجه به مجموعه‌ای از عملیات پیچیده ذهنی گفته می‌شود که شامل تمرکز کردن به هدف یا درگیر شدن با آن، نگه داشتن یا تحمل کردن و گوش به زنگ بودن در یک زمان طولانی، رمزگردانی ویژگی‌های محرک و تغییرتمرکز از یک هدف به هدف دیگر است (عمادی‌فر، گرجی، ۱۳۹۶، ص ۶۹). آیات متعددی در قرآن از توجه انتخابی سخن گفته‌اند که در آن فاعل شناسا ذهن خود را معطوف به جزئیات در آیات آفاقی و انفسی

می‌نماید؛ چنانکه در سورهٔ آل‌عمران آمده است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۱۹۰﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۹۱)»؛ همچنین بن‌مایهٔ مفاهیم قرآنی همچون تفکر، تدبر، تفقه، تذکر و نظر توجه است و تمام این مفاهیم قرآنی وجه مشترک معنایی دارند که آن نوعی فراروی از ادراک محسوس به ادراک معقول است (باشی‌زاده مقدم و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۲). پس توجه از فضایل عقلانی برای دستیابی به معرفت است. در مقابل این فضیلت معرفتی خداوند در آیاتی افرادی که باسبکسری و غفلت از ژرف‌نگری غافل شده‌اند مذمت می‌کند و آنها را صاحب اندیشه نمی‌داند. «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده، ۵۸) از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام هم نقل شده است که غفلت و بی‌خبری خوی بی‌عقلان است. «ألغفلة شيمة النّوكى» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴، ص ۵۱). یا در جای دیگری می‌فرماید: کسی که خردش نیرومند باشد بسیار عبرت می‌گیرد «مَن قَوی عَقله اکثر الإعتبار» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۶).

از دیگر مفاهیمی که می‌تواند زیرمجموعهٔ ژرف‌اندیشی قرار گیرد دقت علمی است. قرآن توصیه به رجوع به مأخذ محکم برای کسب معرفت می‌کند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل‌عمران، ۷). در جای دیگر قرآن توصیه به تحقیق و تفحص برای کشف حقیقت می‌نماید: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (آل‌عمران، ۸۳). در روایاتی از امام علی علیه‌السلام هم توصیه شده برای دستیابی به حقیقت آن را از اهلش طلب کنید. «قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلُ بِهِ أَلَا وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجَبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ

قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمِنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ وَ الْعِلْمُ مَخْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَ قَدْ أُمِرْتُمْ بِطَلَبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج۱، ص ۳۰).

نتیجه‌گیری

مطابق رویکرد برون‌گرایی و ناظر به دیدگاه مسئولیت‌گرایی فضیلت‌محور، پذیرش باور فاعل شناسا مستلزم کسب فضایل فکری است که در فقدان آنها باور شخص دچار چالش ناقض معرفتی می‌شود. فضیلت خردمندی از منظر روانشناسی و معرفت‌شناسی، ویژگی‌هایی را در بر می‌گیرد که هر ویژگی می‌تواند، خصوصیات فرعی دیگری را نیز شامل شود. در آموزه‌های دین اسلام از جمله قرآن و سنت نیز مصادیقی برای این فضایل ذکر شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که با رویکرد معرفت‌شناسانه و بازخوانی برخی مدعیات پیروان فرقه‌سازان مهدوی، باورهای ایشان به‌طور غالب با چالش‌های ناقض معرفتی از سه جنبهٔ توصیف، خود تجربه کننده و متعلق تجربه رو به روست. چنانکه گاه با وجود ادلهٔ معرفتی ناظر به نصوص دینی، سیرهٔ متدینین و قول صریح عالمان دینی برخی ازپیروان بر باورهای غیرصادق خویش اصرار می‌ورزند. پس از حیث معرفت شناختی، به دلیل عدم اقناع معرفتی و اصرار باورمندان به فرقه‌های مهدوی بر مدعیاتشان، علی رغم وجود شواهد نقض معرفت، پایگاه شکل‌گیری باورهایشان را نباید در خود ادله و شواهدی که عرضه می‌کنند جستجو کرد. در این صورت، از حیث معرفت‌شناسانه، تمرکز بر منشأ بیرونی باور راهگشاست. این بیان، به نحو زیر، صورت‌بندی می‌شود:

باورهای فردی مانند الف با چالش‌های نواقض معرفتی حاد، مواجه است.

الف همچنان بر ادعاهای خود پافشاری می‌کند.

پس پایگاه باورهای او دارای دلایل عقلی و شواهد کافی نیست.

درنتیجه منشاء شکل‌گیری باور امری غیر از دلایل است.

به عبارت دیگر، مسئله اینجاست که دریافتیم به‌طور عمده پیروان فرقه‌سازان با وجود

اینکه همه قراین و دلایل علیه باورشان است دست از مدعیاتشان نمی‌کشند، اما کسی که واجد فضیلت‌های معرفتی است با بهره‌گیری از این ابزارهای شناختی و در صورت اتصاف به فضایل معرفتی به راحتی نمی‌تواند شواهد نقض باور خویش را نادیده بگیرد؛ چه آنکه واجدان فضایل معرفتی باور خویش را با مداقه به بوتهٔ نقد می‌سپارند و در برابر قراین مخالف، دارای گشودگی هستند، پس باور در یک وضعیت عادی کسب نشده و درنتیجه، باید به ارزیابی و سپس بازسازی فضایل معرفتی فاعل شناسا که شامل، خلاقیت، کنجکاوی، آزاداندیشی، علاقه به فهمیدن و ژرف‌نگری پرداخت. در این صورت، ازآنجاکه خاستگاه شکل‌گیری باور، متکی به دلایل و شواهد کافی نبوده بلکه وابسته به خلاء پاره‌ای از فضایل است هر نوع پاسخ‌گویی و یا درمانگری باید معطوف به اصلاح عملکردهای فضیلتی شخص باشد. در دستیابی موثر فرد به مهارت‌های اندیشه‌ورزی از جمله ژرف‌نگری، فرانگری، شجاعت فکری و شکیبایی فکری، تبیین روشنی از نصوص دینی متقن است که راهی به ارزیابی منطقی صدق باور را فراهم می‌آورد. ارتقای ویژگی‌ها و فضایل عقلانی به‌عنوان ابزاری فراگیر در حل مسائل فردی و اجتماعی، تسهیلگر فهم درست و مانع ورطیدن به باورهای کم پشتوانه معرفتی است. از همین منظر، توجه شایسته به مسئله نقش موثر فضیلت‌های معرفتی در شکل‌گیری باور مدعیان، امری ضروری است که به بهبود و ارتقای روش‌های متکلمان، درمانگران و مصلحان در عرصه اصلاح و هدایت‌گری باورمندان به فرقه‌های مهدوی می‌انجامد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج‌البلاغه

ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۸). من لایحضرالفقیه (مترجم: محمد جواد غفاری؛ صدرالدین بلاغی). تهران: نشر صدوق.

ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳). کمال‌الدین و تمام النعمه (محقق: علی‌اکبر غفاری). قم : مؤسسه نشر اسلامی.

ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷). معانی الاخبار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

باشی‌زاده مقدم، مهرناز؛ راد، علی؛ احمد، کریمی. (۱۴۰۱). تبیین انعطاف پذیری نورونی از نگرهٔ تجویز قرآن به مناسک عبادی و بازتاب آن در اشتدادپذیری ایمان. فلسفه دین. ۱۹: ۲.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۰۴ق). غرر الحکم و درر الکلم (محقق: سیدمهدی رجائی). تهران: دارالکتاب الاسلامی.

زمانی، محسن. (۱۳۹۱). آشنایی با معرفت‌شناسی. تهران: هرمس.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). تحف‌العقول (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.

پویمن، لوئیس پی. (۱۳۸۷). معرفت‌شناسی؛ مقدمه‌ای بر نظریهٔ شناخت (محقق و مصحح: رضا محمدزاده). تهران: دانشگاه امام علیه‌السلام.

پیترسن، کریستوفر؛ سلیگمن، مارتین. (۱۴۰۰). طبقه‌بندی توانمندی‌های منش و فضیلت‌های انسانی (مترجمان: محسن زندی، لیلا باقری، چاپ اول). تهران: رشد.

جدایی حاجی خواجه لو، حجت. (۱۳۹۸). «همایش پژوهشهای دینی، علوم اسلامی»، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، دورهٔ ۲، صص ۵۳۲ -۵۵۰.

جدیدی نژاد، محمدرضا. (۱۴۲۲). معجم مصطلحات الرجال و الدرایة. قم: دارالحدیث.

جوادپور، غلام‌حسین؛ جوادی، محسن. (۱۳۹۳). ارزیابی معرفتی باور در اندیشه فضیلت‌محورانه زگزبسکی و بررسی آن براساس حکمت متعالیه (پایان‌نامه دکتری، رشتهٔ کلام گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی).

حجامی، حسین. (۱۳۹۵). شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

دیویس، سی. اف. (۱۳۹۱). ارزش معرفت‌شناختی تجربهٔ دینی (مترجم: علی شیروانی ؛ حسینعلی شیدان‌شید). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سادات منصوری، سیدمحمد. (۱۳۹۹). معرفت و ذهن؛ درآمدی بر معرفت‌شناسی و فلسفه ذهن (چاپ اول). تهران: ارجمند.

شمس، منصور. (۱۳۹۷). آشنایی با معرفت‌شناسی (چاپ اول). تهران: هرمس.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۹۶۶). منیةالمرید. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

صفری‌فروشانی، نعمت‌الله؛ عرفان، امیرحسین. (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت»، مشرق موعود، شماره ۳۰.

طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۴۸). اختیار معرفة الرجال (رجال کشی). مشهد: دانشکده الاهیات.

طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۱). الغیبة. (محقق: عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

عبدالاحدی مقدم، علی اکبر؛ میرتبار، سیدمرتضی. (۱۳۹۹). «چرایی گرایش مردم به مدعیان دروغین مهدویت و راهکارهای رویارویی با آن»، مطالعات معنوی، شماره ۲۹.

عبداللهی، عبدالکریم. (۱۳۷۱). اندیشه و مبنای مبارزات روحانیت شیعه. تهران: نشر نیک.

عرفان، امیرحسین. (۱۳۸۸). «بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان»، فصلنامه موعود، شماره ۵.

عرفان، امیرحسین. (۱۳۹۴). «شاخصه‌شناسی مواجهه ائمه علیهم‌السلام با مدعیان دروغین مهدویت»، انتظار موعود، شماره ۵۰.

عسگرزاده مزرعه، اکرم؛ پیکانی، جلال. (۱۳۹۵). «عناصر معرفتی فضیلت‌محور در بحث اتحاد عالم و معلوم ملاصدرا». اسفار، سال دوم، ش ۳، صص ۳۴-۳۸.

کلینی، محمد. (۱۳۶۲). کافی. (محقق و مصحح:علی‌اکبر، غفاری و محمد، آخوندی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کوچک‌زاده، عبدالله. (۱۳۸۷). حوزه‌های علمیه و مبارزه با انحرافات. تهران: نشر مهر.

مدرسی چهاردهی، مرتضی. (۱۳۴۵). شیخی‌گری، بابی‌گری. تهران: فروغی.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار (محقق: محمدباقر بهبودی). بیروت: داراحیاءالتراث العربی.

میراحمدی، صادق؛ دهباشی، مهدی. (۱۳۹۴). «بررسی تفکیک فضایل به دو قسم اخلاقی و عقلانی از نگاه فضیلت‌گرا زاگزبسکی». پژوهش‌های اخلاقی، سال ششم.، ش۱، صص ۶۳-۷۶.

نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲). الغیبة. قم: منشورات انوارالهدی.

همت‌زاده، حسین؛ خزاعی، زهرا؛ جوادی، محسن. (۱۳۹۷). «فضایل معرفتی، شرط لازم حقیقت‌جویی و سازنده هویت عقلی». الهیات تطبیقی، سال نهم، ش۱۹، صص ۱۲۳-۱۴۶.

Beaher, Jason (2017). “Virtue”. In Oxford Handbook of Epistemic of Theology. U.K.: Oxford.

BonJour, Laurence. (1985). The Structure of Empirical Knowledge. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Chisholm, Roderick M. (1989). Theory of Knowledge. 3rd Edition. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Goldman, Alvin (1979). “What is Justified Belief?” in Justification and Knowledge, de. G. Pappas Dordrecht, Holland: D. Redial.

Steup, M. (2018). Epistemology. The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Winter 2018 Edition), Edward N. Zalta (ed), Stanford University. pp. 145-147.

Zagzebski, Linda (1996). Virtues of the Mind; an Inquiry into the Nature of Virtue and the Ethical Foundation of Knowledge, New York: Cambridge University Press.

References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

Abdol-Ahadi Moqaddam, A. A., & Mirtabar, S. M. (2020). The reasons for people's inclination toward false claimants of Mahdism and strategies for confronting them. *Spiritual Studies, 29*, pp. 95-121. [In Persian]

Akbarian, R. (2007). *The relationship between religion and philosophy in the Islamic world*. Qom: Research Institute for Culture and Islamic Thought. [In Persian]

Asgarzadeh Mazraeh, A., & Peikani, J. (2016). Virtue-centered epistemic elements in Mulla Sadra's discussion of the unity of the knower and the known. *Asfar, 2*(3), pp. 34-38. [In Persian]

Bashi-Zadeh Moqaddam, M.; Rad, A.; & Ahmadi, K. (2022). Explanation of neural plasticity from the Quranic perspective on religious rituals and its impact on the strengthening of faith. *Philosophy of Religion, 19*(2), pp. 151-175. [In Persian]

Beaheer, J. (2017). *Virtue*. In *Oxford handbook of epistemic theology*. Oxford University Press.

BonJour, L. (1985). *The structure of empirical knowledge*. Harvard University Press.

Chisholm, R. M. (1989). *Theory of knowledge* (3rd ed.). Prentice-Hall.

Davies, C. F. (2012). *The epistemic value of religious experience* (A. Shirvani & H. Sheidan-Shid, Trans.). Qom: Research Institute for Seminary and University. [In Persian]

Emadifar, F., & Gorji, Y. (2017). Effectiveness of attention training on attention control, focused attention, and scattered attention in female students with exam anxiety. *Child Mental Health, 4*(1), pp. 67-77. [In Persian]

Erfan, A. (2009). A reconsideration of the factors leading to the emergence of false claimants of Mahdism and people's inclination toward them. *Moudoud Quarterly, 5*, pp. 145-174. [In Persian]

Erfan, A. (2015). Characteristics of the Imams'^ encounters with false claimants of Mahdism. *Entezar-e Moudoud, 50*, pp. 119-146. [In Persian]

Falah, M. J., & Nasiri Savadkouhi, M. (2016). The ethical model of the Quran in dealing with moral deviations. *Quranic Knowledge Research Journal, 7*(27), pp. 77-105. [In Persian]

Goldman, A. (1979). What is justified belief? In G. Pappas (Ed.), *Justification and knowledge* (pp. xx-xx). D. Reidel.

Goldman, A. (2012). *Reliabilism and contemporary epistemology: Essays*. Oxford University Press.

Harani, I. S. (1984). *Tuhaf al-'uqul* (A. A. Ghaffari, Ed. & Rev.). Qom: Society of Seminary Teachers. [In Arabic]

Hemmatzadeh, H., Khuzaee, Z., & Javadi, M. (2018). Epistemic virtues as a necessary condition for truth-seeking and intellectual identity formation. *Comparative Theology, 9*(19), pp. 123-146. [In Persian]

Hojjami, H. (2016). *Recognition, analysis, and theological critique of deviant Mahdavi movements*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]

Ibn Babewayh, M. b. A. (1984). *Kamal al-din wa tamam al-ni'mah* (A. A. Ghaffari, Ed.). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Persian]

Ibn Babewayh, M. b. A. (1989). *Man la yahduruhu al-faqih* (M. J. Ghaffari & S. Bulaqi, Trans.). Tehran: Sadouq Publications. [In Persian]

Ibn Babewayh, M. b. A. (1998). *Ma'ani al-akhbar*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]

Jadidi-Nejad, M. R. (2001). *Mu'jam mustalahat al-rijal wa al-dirayah*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]

Javadpour, G., & Javadi, M. (2014). *An epistemic evaluation of belief in Zagzebski's virtue epistemology and its analysis based on Transcendent Wisdom* (Doctoral dissertation, Department of Theology, Philosophy of Religion and New Theological Issues). [In Persian]

Jodaee Haji Khajelou, H. (2019). *Proceedings of the Conference on Religious Studies, Islamic Sciences, Jurisprudence, and Law in Iran and the Islamic World* (Vol. 2, pp. 532-550). [In Persian]

Jokar, M. (2021). Criteria for identifying false claimants of Mahdism. *Mahdavi Studies, 11*(53), pp. 65-80. [In Persian]

Kamiab, M., & Mohiti Ardakani, M. A. A study of the epistemic foundations for accepting the claims of false claimants of Mahdism in contemporary Iran. *Mashriq-e Moudoud, 62*, pp. 57-81. [In Persian]

Kuchakzadeh, A. (2008). *Islamic seminaries and the fight against deviations*. Tehran: Mehr Publications. [In Persian]

Kulayni, M. (1983). *Al-Kafi* (Vols. 1 & 8) (A. A. Ghaffari & M. Akhundi, Eds.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

Majlesi, M. B. (1982). *Bihar al-anwar* (Vol. 52) (M. B. Behboudi, Ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

Mirahmadi, S., & Dehbashi, M. (2015). An analysis of the division of virtues into moral and intellectual categories from the perspective of virtue ethics. *Ethics Research, 6*(1), pp. 63-76. [In Persian]

Modaresi Chahardehi, M. (1966). *Sheikhism and Babism*. Tehran: Foroughi. [In Persian]

Nu'mani, M. b. I. (2001). *Al-Ghaybah*. Qom: Anwar al-Huda Publications. [In Arabic]

Peterson, C., & Seligman, M. (2021). *Classification of character strengths and human virtues* (M. Zandi & L. Baqeri, Trans., 1st ed.). Tehran: Roshd. [In Persian]

Pojman, L. (2008). *Epistemology: An introduction to the theory of knowledge* (R. Mohammadzadeh, Ed. & Rev.). Tehran: Imam University. [In Persian]

Sadat Mansouri, S. M. (2020). *Knowledge and mind: An introduction to epistemology and philosophy of mind* (1st ed.). Tehran: Arjmand. [In Persian]

Safari-Foroushani, N., & Erfan, A. (2014). Typology of false claimants of Mahdism. *Mashriq-e Moudoud, 30*, pp. 83-108. [In Persian]

Seyyed-Qureshi, M., & Dehqani Firouzabadi, V. (2015). Happiness and virtue in the ethical thought of Fayz Kashani. *Ethics Research Journal, 27*, pp. 125-140. [In Persian]

Shahid Thani, Z. b. A. (1559). *Munyat al-murid*. Qom: Maktab al-I‘lam al-Islami. [In Arabic]

Shams, M. (2018). *Introduction to epistemology* (1st ed.). Tehran: Hermes. [In Persian]

Shojaei, M. S. (2017). *Personality from the perspective of traits (Psychological and Islamic theories)*. Qom: Research Institute for Seminary and University. [In Persian]

Steup, M. (2018). *Epistemology*. In E. N. Zalta (Ed.), *The Stanford encyclopedia of philosophy* (Winter 2018 ed., pp. 145–147). Stanford University.

Tamimi Amidi, A. W. b. M. (1984). *Gurar al-hikam wa durar al-kalim* (S. M. Rajaei, Ed.). Tehran: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]

Tusi, M. b. H. (1969). *Ikhtiyar ma‘rifat al-rijal (Rijal al-Kashi)*. Mashhad: Faculty of Theology. [In Persian]

Tusi, M. b. H. (1990). *Al-Ghaybah* (A. Tahrani & A. A. Nasih, Eds., 2nd ed.). Qom: Al-Ma‘arif al-Islamiyyah Institute. [In Arabic]

Zagzebski, L. (1996). *Virtues of the mind: An inquiry into the nature of virtue and the ethical foundations of knowledge*. Cambridge University Press.